

558

۵۵۵

۱

۱۴۴

اسکات لاکر، جامعہ مدرسین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشکات در تحلیل اجزاء جملات (تجزیه و ترکیب)

تألیف:

علی حبیبیان

سرشناسه	:	حبیبیان، علی، ۱۳۶۹ -
عنوان و نام پدیدآور	:	مشکات در تحلیل اجزاء جملات (تجزیه و ترکیب) / تألیف علی حبیبیان
مشخصات نشر	:	قم: شکوری، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۴۴ ص. : جدول، نمودار
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۲۹۶۱-۳۲-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا.
یادداشت	:	کتابنامه: ص. [۱۲۷] - ۱۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	:	زبان عربی - صرف و نحو
موضوع	:	زبان عربی - صرف و نحو - راهنمای آموزشی
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۷ م ۵ ح ۲ / PJ ۶۲۰۳
رده‌بندی دی‌سی	:	۴۹۲ / ۷۵۰۷
شماره شابک	:	۹۷۵۲۶۴۳



انتشارات شکوری
همراه: ۰۹۱۲۷۳۷۹۰۹۳



نام کتاب: مشکات در تحلیل اجزاء جملات (تجزیه و ترکیب)

نویسنده: علی حبیبیان

ناشر: شکوری

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۸

قطع و صفحه: وزیری ۱۴۴ صفحه

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۶۱-۳۲-۰

تماس مؤلف: ۰۹۱۲۷۵۹۳۵۸۵

کلیه حقوق این اثر برای نویسنده محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه	۵
بخش اول: قواعد	۷
فصل اول: قوانین ضروری کلان	۹
فصل دوم: ارکان جمله	۱۳
تکملة: کاربرد مشابه چند نقش	۲۳
تکملة: کاربرد مشابه چند نقش	۲۳
فصل سوم: فروع جمله	۲۶
فصل سوم: فروع جمله	۲۶
فصل چهارم: جمل و اعراب آنها	۳۱
فصل چهارم: جمل و اعراب	۳۱
فصل پنجم: اوزان و اعراب	۴۳
فصل پنجم: اوزان و اعراب	۴۳
فصل ششم: هیچگاه های ترکیبی	۴۵
فصل هفتم: کلیات بحث اعراب	۴۷
فصل هفتم: کلیات بحث اعراب	۴۷
فصل هشتم: اعراب تبعی	۵۲
فصل هشتم: اعراب تبعی	۵۲
فصل نهم: کاربرد ضمائر	۵۵
فصل نهم: کاربرد ضمائر	۵۵
فصل دهم: حروف و اعراب	۵۷
فصل دهم: حروف و اعراب	۵۷
بخش دوم: نمودارها و جداول	۶۱
فصل اول: نکات و راهنمای جدول تجزیه:	۶۳

٦٧.....	فصل دوم: نکات و راهنمای جدول ترکیب
٧٥.....	بخش سوم: تطبیقات
٧٦.....	شرح ابن عقیل
٧٩.....	السهجة المرضية
٨٢.....	المطلق
٨٥.....	المكاسب
٨٨.....	معني اليب
١٠٥.....	جواهر البلاغة
١٠٨.....	الموجز
١١١.....	أصول الفقه
١١٨.....	الروضة البهیة
١٢٦.....	فرائد الأصول
١٣٠.....	نهاية الحكمة
١٣٣.....	كفاية الأصول
١٤٠.....	ترکیب آیات اولیه سوره یوسف (ع)
١٤٣.....	منابع:

مقدمه

ببقی وجه ربک ذی الجلال والاکرام.

در راستای اطاعت از امر رهبری معظم و معزز (دامت انواره) در تغییر ساختار علمی و ممتی کتب حوزوی حقیر بر آن شد تا جزوه ای که جای آن ملموس است نوشته و تقویم نموده تا درسی پس داده باشد.

در این حوزه سعی بر آن است با نگاه کاربردی به قواعد صرف و نحو پرداخته شود و هر کدام از مهمات قواعد تجزیه و ترکیب (کاربرد) را بیان کند. (به صورت اجمالی) ویژگی ها:

۱. ارجاعات در باورقی مربوط به کتابهایی است که در مقدمات خوانده شده یا می شود؛ که خود مهمترین عامل برای حفظ مباحث تنوری گذشته است.
۲. پرهیز از تکرار یا بیان غیر کاربردی قوانین.
۳. پرهیز از مطالب کاربردی غیر شایع.
۴. پرهیز از اقوال در بسیاری از موارد جهت جلوگیری از تشویش.
۵. پرهیز از اظهار نظر شخصی.
۶. پرهیز از تفصیل و ملالت تا بهانه برای ترک تمرین نشود لذا حتی الامکان سعی بر تیک زدنی کردن تمرینات شده است.
۷. بهره برداری از آیات قرآنی به عنوان مثال بر طبق قوانین مندرج جهت آمادگی بیشتر برای حل باقی تمارین.
۸. قسمتی از قوانین در بخشی از مهمترین کتب عربی حوزوی که روش خاصی در کاربری این قوانین دارند نیز پیاده شده است.
۹. دارای دو مرحله ی ساده (طریقه ی ترکیب متن با اعراب) و پیشرفته (طریقه ی

ترکیب متن بی اعراب)^۱

۱۰. ارجاع به قوانین صرفی (ادغام و اعلال و تخفیف) با محوریت کتاب صرف

ساده.

و این قوانین به چند بخش کاربردی تقسیم می شوند:

۱. اعراب ارکان ۲. جمل و اعراب ۳. فروع جمل ۴. اوزان و اعراب ۵.

هیچگاه ۱. کلیات اعراب ۷. کاربرد ضمائر ۸. کاربرد مشابه

خلاصه:

مراحل ترکیب، (چه در متن اعراب دار چه بی اعراب) ۱ - ترکیب اعراب دار

۲ - ترکیب بی اعراب

۱- تجزیه: حداقل: تعریف و عمل و جنس و عدد و صیغه و تصرف و لزوم

و تعدی و معلوم و مجهول و تام و عام و عدم و جمود و اشتقاق.

۲- تشخیص فعلیه یا اسمیه بودن جمله.

۳- تشخیص ارکان.

۴- تشخیص فضلات.

۱. متون دارای اعراب را با اعراب آن ترکیب می کنند مثلاً می فرمایند: مسووبی که بیانگر علت است مفعول له می باشد ولی متنی که اعراب ندارد یا از روی معنی (مثل: مصدری که بیانگر علت عامل خود است مفعول له است) یا با قواعد دیگر مثل: مصدری که از جنس عامل نبوده قبل از ابهامی وجود نداشته باشد مفعول له نام دارد) و نقش کلمه را یافته و اعراب می زنند. در علم نحو غالباً نگاه شناختی و ماهوی به نقش الفاظ می شود و گاهی تلفیقی از حکم و ذات ولی در علم ترکیب و اعراب که کار به ذات ندارد و هدفش تشخیص و کاربردی دیدن الفاظ است ممکن است از عوارض استفاده کند و اصلاً کاری به ذات نداشته باشد بلکه می توان گفت که: نحوی باید طوری تعریف کند که نیاز به معنا نباشد و معنا و غرض را به عهده ی لغوی و بیانی بگذارد.